

(۳۱)

پرویش اخلاق در پر تو

دین

مادام که اخلاق هر فرد؛ نشانهٔ کامل واقعی و درونی او نباشد؛ عملیات او یکرشته تجدیدات مصنوعی است که با مختصر بهانه‌ای فراموش می‌شود!

... سخن از اخلاق است، پر ننده از قفس پریدهٔ انسانهای قرن بیستم! گمشده‌ای که اگر در عرصهٔ زندگی اجتماع، در پارتی‌ها، در تئاترها، در سینماها، در پلاژها... در... در... بدنبالش بگردید، اثری از آن نمی‌یابید!

سرمایه‌ای که در عین حال بعنوان پشتوانهٔ زندگی هر انسانی و هر اجتماعی، لزوم ضروری و ارزش‌غیر قابل انکار دارد.

لیکن ما شنیزم، از آنجا که بهمه چیز پشت پازده، این سرمایه راهم از کف نهاده و محکوم و مطرودش ساخته است.

جامعه‌شناسانی هم پیدا شدند که نمه «اخلاق نسبی»، را ساز کردند و نشان دادند که: اخلاق یک سلسله آداب و عادات و رسومی است که بیش از یک دهنهٔ اجتماعی، نیست و در هر جامعه‌ای، وضعی خاص دارد و چنانکه می‌بینیم حتی در یک جامعه هم، طی گذشت زمان، دستخوش تغییر و تحول می‌شود.

آنان، با همهٔ دوران‌دیشی‌ها و تحقیقات همه‌جانبه و وسیع خود! از یک نکتهٔ اساسی غافل

ماندند و در منجلاب اشتباه خویش ، غرق گشتند .

گاهی يك كشف علمی و يك نظریهٔ پرارزش ، بجای آنكه انسان را به معلوماتی تازه ، رهنمون شود ، چنان غروری در انسان ایجاد میکند ، كه از درك پیش پا افتاده ترین مطالب ، عاجز میماند . در اینجامعه شناسان ، بهمین سر نوشت گرفتار شدند و كشف « نسبییت اخلاق » در میان جوامع مختلف و تنبیرات و تحولات آن طی اعصار و قرون ، آنها را از درك يك مطلب اساسی - تری دورداشت ، در نتیجه يك سلسله گمراهیهای غیر قابل جبرانی ، دامگیر آنها و مردمی شد كه چشم و گوش بسته ، همه چیز را می پذیرند .

مطلب اساسی این است كه با توجه بصحت و قاطعیت مطالب فوق ، نباید فراموش كرد كه با همه اختلافاتی كه جوامع مختلف ، در عرصهٔ گیتی در مسائل اخلاقی داشته و دارند و مثلاً جامعهٔ هندی كشتن گاوا را عملی غلط و غیر انسانی می پندارد و دیگران این عمل را نه تنها غیر اخلاقی و انسانی نمی دانند ، بلكه بمنوان وسیله ای پرارزش برای تغذیهٔ انسان ها و ادامهٔ حیاتشان لازم و ضروری می پندارند ، پاره ای از مسائل ، هستند كه از داشتن صفت « نسبییت » مصونیت یافته اند و هر انسانی ، در هر دوره و زمانی و از هر محیط و مرز و بومی آنها را قبول دارد . این مسائل ، در حقیقت ، پایه ها و مبانی اخلاق هستند . بدوی ترین انسان ها هم بر سر مسألهٔ « قبح ظلم و خوبی عدالت » اختلافی نداشتند . امروز نیز با همهٔ هرج و مرج ها و حق كشی ها ، بشر فضا نورد قرن بیستم ! ستم را زشت و عدالت را نیکومی شمارد . چنانچه خوب دقت كنیم ، ملاحظه می كنیم كه نمونه های دیگری نظیر راستگویی ، وفاداری ، مهربانی ، محبت و رحم نیز در همین ردیف قرار دارند و دست « نسبییت » بدام نشان نمی رسد . اگر اختلاف و نسبییتی مشاهده می شود در تعیین مصادیق آنهاست نه در اصل مفهوم آنها و جامعه شناسان را در قلمرو آنها مجال تاخت و تاز و رجز خوانی و بی بنیان كردن و نسبی و انمود كردن آنها نیست .

خوشبختانه ، برخی از دانشمندان این عصر ، بخوبی این رمز را دریافته اند و از سقوط در پرتگاهی كه جامعه شناسان با عمق آن فرورفته اند ، مصون مانده اند . دانشمند آمریکایی ، هادل كاترل در مقالهٔ مربوط به « بعد چهارم روح انسانی » (۱) همین حقیقت را باین صورت ، بیان داشته است كه : در روح آدمی چهار بعد یا چهار مفهوم وجود دارد ، بدین ترتیب : راستی ، درستی ، زیبایی و دینی . منظور از راستی همان میل بتوسعهٔ علم و كنجكاویهای علمی است و منظور از درستی ، وجدان اخلاقی و منظور از زیبایی ، تمایل انسان است نسبت به هنرهای شمری

ونقائتی و و منظور از حس مذهبی ، تمایل انسان به پرستش خداوند و نیایش‌های دینی است .

کانت ، فیلسوف بزرگ قرن هیجدهم میگوید : « دو چیز روح را باعجاب می‌آورند و هر چه اندیشه و تأمل ، بیش‌کنی ، اعجاب و احترام ، نسبت‌بان دو چیز ، همواره تازه و افزون می‌شود ، یکی آسمان پرستاره که بالای سر ما جادارد و دیگر قانون اخلاقی که در دل ما نهاده شده است » (۱)

نظر ادیان آسمانی نیز همین است پیامبران خدا ، ریشه قوانین اخلاقی را در روان انسان جستجو کرده‌اند . قرآن کریم می‌فرماید « و نفس وما سویها فالهها فجورها و تقویها » (۲) یعنی « سوگند برون انسان و آنکه او را بصورت کامل آفرید و زشتکاری و پرهیزگاریش را از طریق الهام ، و شهود وجدانی بدو ارائه داد » .

اخلاق منهای معنویت

در اینکه اخلاقی شدن ، برای انسانها ، لازم و ضروری است ، تردیدی بدلراه نمی‌دهیم و نیز در اینکه برخی از انسان‌ها می‌توانند بدون اتکای بدین ، برخی از اصول اخلاق را رعایت کنند ، شك نمی‌کنیم ولی آیا ممکن است همه انسان‌ها را بدون عقاید مذهبی ، اخلاقی بار آورده یا ممکن نیست ؟

این همان مطلبی است که در زمان ما پاره‌ای از دانشمندان ، پیشنهاد کرده‌اند . لکن ت دونوی می‌نویسد : « بعضی از افراد بیدین که طبعاً اخلاقی هستند ، می‌گویند که چون مشکل اساسی اطاعت از قوانین اخلاقی است ، پس اگر عملاً بتوانیم این قواعد را بکار بندیم ، بمذهب محتاج نخواهیم بود . این رویه نشانه ندانستن روانشناسی است ، زیرا انسان ، همیشه در اعتبار قواعدی که سرچشمه آن‌را نمیداند شك می‌کند ، بملاوه چنین رویه ، دلیل نرسیدن باصل مشکل است ، زیرا منظور این است که انسان از درون تکمیل شود ، تا بتواند بطور اخلاقی فکر کند ، هدف این نیست که انسان‌را وادار کنیم که حرکات اخلاقی بکند . مادام که اخلاق هر فرد ، نشانه تکامل عمیق درونی نباشد ، عملیات او یک رشته تجدیدات مصنوعی ، قراردادی و موقتی خواهد بود که با اول بهانه بیاد خواهد رفت . اگر قواعد اخلاقی بدلخواه تحمیل نشود هر قدر هم که ارزش علمی داشته باشد ، هیچوقت بطور موفقیت آمیز ، بر ضد جنبشهای حیوانیکه بشر از گذشته بارت برده است ، جدال نخواهد نمود . » (۳)

۱ - سیر حکمت در اروپا صفحه ۱۲۷

۲ - سوره الشمس آیه ۷ و ۸

۳ - سر نوشت بشر صفحه ۲۱۴ و ۲۱۵

اشکال دیگر این است که : تازه اگر چنین موفقیتی را بدست آوریم که افرادی را بدون اتکای بمذهب ، اخلاقی تربیت کنیم ، این مطلب را نمی توان نادیده گرفت که اصولا چنین اخلاقی ، سردی و تنفر و خشونت ایجاد میکند .

« جان. ر. ایورت » می نویسد : « چون بمذهب و اخلاق هر جامعه نظر اندازیم ، می بینیم که در ابتدایی ترین جامعه های بشری تا متمدنی ترین آنها ایمان مذهبی ، شوق و حرارتی در مردم ایجاد میکند که اخلاق به تنهایی نمی تواند اینکار را انجام دهد ، (۱)

« ویلیام جیمز » در کتاب : « گونا گونی های آزمایش مذهبی » می نویسد : « اختلاف اساسی که میان اخلاق و مذهب وجود دارد ، در نحوه پذیرفتن این جهان است اخلاق قوانین این جهان را که به نظر او حاکم بر عالم است ، اطاعت می کند اما بایک دلسردی و خسته دلی ، بطوری که خود را در زیر یوغ این اوامر و قوانین مقید می داند . امامذهب ، در اطاعت از قوانینی که آنها را الهی می شناسد ، یوغ و قیدی ، حس نمی کند ، بلکه با گرمی آنها را استقبال می کند . فرق است میان آنکه این جهان را بطریق پیروان مذهب اخلاقی رواقیون ، جهانی بی رنگ و سرد و خشک نگریسته و اطاعت آنها را ضروری و لازم بدانیم ، یا اینکه بشیوه مردم مسیحی با آغوش باز و چهره گشاده ، آنرا در بر گیریم . . . »

« مارک اورل » که یکی از فلاسفه رواقیون می باشد ، در یادداشت های خود می نویسد : « اگر خدایان بمن و فرزند من عنایتی نداشته باشند ، لابد دلیلی دارد ! » این را با گفته ایوب (ع) که می گوید : « اگر خداوند مرا بکشتن دهد ، باز اتکاء من باوست » مقایسه نمایید (۲)

این نکته را هم ناگفته نگذاریم که علی رغم تصور برخی که علم را برای انسان کافی می دانند و معتقدند که با پیشرفتهای علمی و تکنولوژی ، دیگر نیازی باخلاق نداریم ، سخت در اشتباهند . « دکتر آلکسیس کارل » می نویسد : « علم بدون وجدان چیزی جز ویرانی روح نیست » (۳)

بنابر این از یک طرف ، علم بدون اخلاق و از طرف دیگر اخلاق بدون مذهب ، برای انسان ، جز بدبختی و گرفتاری چیزی فراهم نمی آورد و باید اعتراف کنیم که اینها چون حلقه های زنجیر ، بیکدیگر مربوط هستند و حلقه های زنجیر ، تنها حلقه محکمی است که می تواند پیوند آنها را حفظ و بقای آنها را تضمین و آنها را در راه سعادت انسانها مورد بهره برداری قرار دهد .

۱ - مذهب در آزمایشها و رویدادهای زندگی صفحه ۵۶ بقیه درس ۴۴

۲ - مذهب در آزمایشها و رویدادهای زندگی ص ۱۶۴ و ۱۶۵

۳ - راه و رسم زندگی صفحه ۱۶۶



کتابهای تازه

بخش اول کتابهاییکه از طرف مؤلفین و ناشرین محترم به کتابخانه مکتب اسلام

رسیده است .

۱ - جوانان از نظر عقل و احساسات
تألیف محمد تقی فلسفی ، زرکوب و وزیر ،
۵۲۱ صفحه ، جلد دوم ، ناشر ، هیئت نشر
معارف اسلامی تهران (تجزیه و تحلیل
جالبی پیرامون زندگی جوانان از نظر عقل
و احساسات) .

۲ - اصول الصرف تألیف : دکتر
علی اکبر شهابی ، شمیم ، وزیر ، ۲۳۰
صفحه ، انتشارات دانشگاه تهران (بحث
جامعی درباره علم صرف) .

۳ - مسئله حجاب تألیف : مرتضی
مطهری ، سلیفونی رقی ، ۳۰۶ صفحه
ناشر انجمن اسلامی پزشکان با همکاری شرکت
سهامی انتشار (تحقیقاتی - در باره موضوع
حجاب و حدود آن در اسلام)

۴ - المدخل الی التفسیر المو-
ضوعی للقرآن الکریم تألیف سید
محمد باقر موحد ابطحی ، زرکوب ، وزیر ،
۲۸۷ صفحه ، ناشر مؤلف (جمع آوری
ابشکاری جمیع آیات مربوط به هر موضوع ،
با خلاصه گیری و ذکر ترتیب طبیعی آیات ،
و حفظ ترتیب موضوعات ، بعنوان کلیدی
برای تفسیر موضوعات قرآن) .

۵ - اسلام و علم جدید - تألیف :
عبدالرزاق نوفل ، ترجمه و نگارش : حسین
وجدانی ، سلیفونی ، وزیر ، ۴۲۳ صفحه ،

ناشر ، انتشارات پدید ، (تهران بحث جالبی
پیرامون فلسفه احکام اسلامی از نظر علوم روز)
۶ - تلخیص الریاض - تألیف : سید
ابوالفضل حسینی ، زرکوب ، وزیر ، ۴۱۹
صفحه ، ناشر مؤلف ، (تلخیص ریاض -
السالکین شرح صحیفه سجاده ، تألیف
مرحوم سید علیخان کبیر)

۷ - ضوابط وقواعد معاملات و کلیات
تقود و ایقاعات بضمیمه مقاصد اصول و قانون
رضاع و وصیت و میراث در اسلام ، تألیف محمد
سنکلی ، شمیم ، وزیر ، ۳۸۰ صفحه ،
ناشر مهدی رسائی (یک سلسله بحثهای
فقهی)

۸ - قاموس الرجال - تألیف :
شیخ محمد تقی تستری ، زرکوب ، رقی ،
جلد دهم از انتشارات مرکز نشر کتاب ، تهران
(یک کتاب تحقیقی در علم رجال) .

۹ - روزه روش نوین درمان بیماریها -
تألیف ، الکی سوفورین ، ترجمه محمد -

جعفر امامی ، سلیفونی ، رقی ، ۲۲۴ صفحه
از انتشارات دارالکتب الاسلامیه تهران (تأثیر
معجز آسای روزه در درمان بیماریها)

۱۰ - حقیقت جاودان - تألیف (شیخ
محمد رضا مظفر ، ترجمه ، رضی جعفر تقوی ،
شمیم ، جیبی ، ۱۴۴ صفحه ، ناشر ،

واعظی ، شمیم ، جیبی ، ۲۴۸ صفحه ،
از انتشارات مؤسسه مطبوعاتی بورس کتاب
مشهد (حوادث تاریخی - سالهای ۶۱ تا ۶۷
هجری) .

کتابهاییکه به کتابخانه مکتب اسلام رسیده است

- « سید ابوالفضل حسینی - ۱ »
« حسنعلی وطنخواه یزدی - ۱ »
« آقای جمشید چهارلنگی - ۱ »
« عبدالله بهمن پور - ۱ »
« سید محمد داودی از اصطهبانات ۱ »
« محمدعلی ساکیان نتاج از
خرمشهر - ۱ »
« سید عباس اسماعیلی طباطبائی - ۱ »
« غلامرضا فخاریان از تهران - ۱ »
« قدرت الله صفری - ۱ »
« مظفر شفیع - ۱ »
« قدرت الله مظاهری از تهران ۲ »
« اکرم فرهودی - ۱ »
« مسعود فدوی - ۱ »
« منصور دیداری - ۱ »
« سجادی - ۱ »
« احسان الله هاشمی از اردستان - ۱ »
« محمود رحمان زاده یزدی از تهران ۱ »
« میر هاشمی - ۱ »
« حاج خلیل حیدری - ۲ »
« هاشم حیدری از مرند - ۱ »
« فضل الله یزدی از اصفهان - ۱ »
« مجتبی رفیعی از تهران - ۱ »
« محمود معتقد از تهران - ۱ »
« محمد رشید قهری از ملایر ۲ »
« احمد شامخی امیری از امیرکلا ۱ »
« صنایع - ۱ »
« محمد قمی - ۱ »

رضی جعفر - تقوی - کراچی (عقائد شیعه
بزبان اردو) .

۱۱ - کتاب خون یا حوادث تاریخی
سالهای ۶۱ تا ۶۷ هجری تألیف سید حسین

بخش دوم: اسامی افراد محترم و تعداد

- آقای شبانی از ساری - ۱ جلد
« مجید سادات لاریجانی از تهران ۲ - »
« سبحانی تبریزی از تبریز - ۱ »
« مسلم شهبازی از حسین آباد شاملو
ملایر - ۳ »
« محمد حسین اسماعیلی -
آباد شاملو ملایر - ۳ »
« بهرام حسینی از مشکین - ۱ »
« سید محمد افجه از تهران - ۳ »
« محمد حسین حقی از تهران - ۷ »
« مهدی روحانی از تهران - ۳ »
« علی بدری از رضائیه - ۲۷ »
« ناصر بحرینی از بروجن - ۱ »
« میر علی اصغر مجد الاسلامی - ۱ »
« پرویز علی آبادی از شاه - ۱ »
« محمد کریمی پور از ملایر - ۱ »
« علی اکبر رضا از مشهد - ۱ »
« حبیب الله ابراهیم پور یزدی از
آبادان - ۲ »
« سید عباس اسماعیلی طباطبائی - ۱ »
« جمال دادخواه - ۱ »
« محمود حقیقی از کرمانشاه - ۱ »
« غلامحسین مؤدب - ۲ »
« علی یزدی زاده از رضائیه - ۳ »
« محمد رسول ترکاشوند از
اشترتل - ۲ »
« سید ضیاء الدین تنکابنی - ۱ »
« محمد رضا توکلی - ۲ »

زیتون | یا داروی نقرس

تا آنجا که میدانید بدیگران پیاموزید و مارصفت برگنجینه علم
حلقه مزیند و جویندگان را از این گنج سر شاری بهره مسازید
علی (ع)

- ❖ زیتون درمان کننده نارسائیها و ناتوانیهای کبد
- ❖ ... از ازدیاد فشارخون جلوگیری و آنرا متعادل میسازد
- ❖ ... جلوگیری از تصلب شرایین و ازدیاد کلسترول مینماید
- ❖ بالاخره زیتون در سازندگی عضلات و حفظ حیات مانقش اساسی دارد

همه مسلمانان جهان میدانند که پروردگار دانا به «زیتون» در قرآن
سوگند یاد کرده است . . .

ولی شاید همه ندانند که میان این همه مواد غذایی چراذات یکنای
پروردگار زیتون را اینگونه گرامی داشته است ؟ و شاید تاکنون نظریات و
دلایلی برای آن قائل شده باشند ، ولی بررسیهای علمی و تحقیقاتیکه اخیراً در
مورد علت بیماریهایی چون نقرس ازدیاد اسید اوریک خون ازدیاد چربی
خون ، کلسترول ، ازدیاد فشارخون ، ازدیاد اوره خون و تصلب شرایین بعمل آمده
است و با توجه به نظریات دانشمندان و متخصصین غذایی مجدداً این حقیقت روشن
شده که اینگونه بیماریها از بیماریهای تغذیه‌ای میباشد . و باز برای درمان آن
نیز باید از مواد غذایی استفاده کرد

نکته جالب و حیرت انگیزی که «نگارنده» راتحت تأثیر قرار داد و موجب
بررسیها و تحقیقات بیشتری گردید این بود که معلوم شد درد نیای ما میان مواد
غذایی چه نباتی و چه حیوانی ، هیچ ماده غذایی بقدر زیتون دارای «پتاسیم» نیست ،
یعنی با اندازه گیریهای دقیق مقدار پتاسیم در یک کیلو گرم زیتون معادل ۱۵۰۰
گرم است ، نه تنها هیچ ماده غذایی که مورد مصرف جهانیان بوده و در دنیای

متمدن شناخته شده باشد این مقدار پتاسیم در یک کیلو گرم آن وجود ندارد بلکه رقم پتاسیم در سایر مواد نباتی و غذائی محدود ده گرم میرسد . و اختلاف زیادی بازیتون دارد .

و اگر بدانیم که پتاسیم چیست و چه نقشی در زندگی ما در حفظ حیات و تندرستی ما دارد آنوقت است که می فهمیم چرا باید زیتون را گرامی داشت .

پتاسیم در سازندگی عضلات بدن ، و نیرو و انرژی بدن ، ضروریست . پتاسیم در ساختمان و ترشحات غدد داخلی بدن بکار برفته و فعالیت غدد را که در حفظ زندگی و نیروی فعاله و نشاط وجود انسان لازمست افزون مینماید .

با آزمایشهایی که بعمل آمده نشان داده شده است که کم بود پتاسیم در بدن رشد را متوقف ساخته ، بلکه ممتورم میشود ، و دستگاه تنفسی دچار اختلال میگردد .

« پتاسیم ، در فعالیت و قدرت تصفیه و شستشوی سلولهای کبدی اثر داشته و موجب می گردد که سلولهای کبد بهتر و بیشتر موادمسمی و اوره و اسید اوریک را از خون گرفته و خارج نمایند .

« پتاسیم ، در قدرت دفعی کلیه ها نقشی اساسی دارد و موجب فعالیت بیشتر کلیه ها و دفع مواد سمی از خون میگردد بدین لحاظ است که پتاسیم را از داروها و درمان کنند: های بیماریهای کلیه میدانند .

« پتاسیم ، در ساختمان گلبولهای قرمز خون وجود دارد . و در فعالیت و سازندگی و حفظ حیات ما اثر دارد .

« پتاسیم ، با بکار انداختن کلیه ها و اثریکه بر روی عضلات صاف (لیس) دارد قدرت انقباض و انبساط عضلات رگها را منظم ساخته و در تنظیم فشار خون ، نقشی اساسی دارد ، و از بالا رفتن فشار خون جلوگیری مینماید .

غیر از پتاسیم که وجودش برای ادامه حیات و حفظ تندرستی ما ضروریست در زیتون مواد معدنی دیگری چون فسفر ، کلسیم ، منیزیم آهن وجود دارد که هر کدام نقشی شگرف و سازنده در زندگی ما دارد کلسیم نیروی فعاله عضلات را زیاد ، و قدرت بدن را افزون میکند کلسیم در سازندگی و رشد و نمو نقشی انکار ناپذیر دارد .

کلسیم در مقابل بیماریهای عفونی و میکروبیها قدرت دفاعی بدن را افزون مینماید و شاید همه دیده و شنیده باشیم که به بیماران مسلول کلسیم داده میشود .

فسفر که سازنده سلولهای عصبی است در حفظ و فعالیتها ی مغزی وجود آن لازم است .

فسفر برای کسانی که بکارهای فکری اشتغال دارند ضروریست و باید مواد غذایی فسفر-

دارمیل نمایند .

منیزیوم که يك ماده معدنی و درزیتون وجود دارد در حفظ تندرستی و زندگی ما وجودش لازم بوده و در رشد و نمو بدن منیزیوم نقشی مهم دارد و نیز می تواند در فعالیت غده بدن اثر بگذارد .

آهن نیز درزیتون بمقدار زیادی وجود دارد که میتواند درخونسازی بدن و تشکیل عضلات نیاز آدمی را مرتفع سازد ، و نیروی زندگی و حیاتی فعال بمارسانی دارد .

غیر از مواد ذکر شده درزیتون ، باید یاد آور شوم که زیتون همانگونه که همه می دانند از مواد غذایی چرب بوده و میباشد ، اما موضوع مهم و مسئله قابل توجه اینست که چربی زیتون بخاطر ساختمان قابل جذبیکه دارد که بیشتر از « اسید اوله ٹیک » تشکیل یافته است در خون ایجاد کلسترول نمیکند . و میدانیم از دیاد کلسترل در خون موجب تصلب شرائین شده ، حوادثی ناگوار چون انفارکتوس - سکته قلبی - سکته مغزی ایجاد مینماید .

زیتون بحدقنه تنها دارویی شفا بخش است بلکه سازنده نیروی حیاتی بلکه نگاهدارنده سلامت و زندگی . و نشانه ای از اعجاز قرآن در ۱۴ قرن پیش می باشد .

بقیه از ص ۲۳

اگر ممکن باشد ، که بشر ، علم را بدون اخلاق و مذهب و یا اخلاق را منهای مذهب ، دارا باشد و بسوی تکامل رهسپار گردد ، حرفی نیست ولی از اشکالات و موانع فوق الذکر ، نمیتوان چشمپوشی کرد .

مربیان ، از آنجاکه بخوبی باین نکته پی برده اند که اخلاق ، سرمایه سعادت اطفال است و آموزشهای علمی و هنری بدون اخلاق مایه ویرانی و تباهی روح کودکان و نسل نواخته اجتماع خواهد بود و از آنجاکه توجه پیدا کرده اند که : اخلاق هم بدون اتکای بمذهب ، تولید دلسردی و خسته دلی و بقول « دونویی » « قراردادی و وقتی خواهد بود که با اول بهانه ، از یاد خواهد رفت ، باید بکوشند که روح ایمان را در نهاد کودکان پرورش دهند و آنها را از لحاظ اعتقادات صحیح و اساسی مذهبی تقویت نمایند . در این صورت ، آنها بهتر می توانند از لحاظ علم و تمدن و انسانیت ، نمونه و سمبل باشند .

اگر علم بتواند جدا از اخلاق و مذهب و یا اخلاق بتواند جدا از آنها کوره راهی پیدا کند و پیش رود و سرانجام هم به هدف نائل نشود ولی مذهب ، هر دورا زیر پر و بال خود می گیرد و زمینه را برای پیشروی آنها فراهم میکند و بسر منزل مقصود می رساند . لذا پیام بزرگ اسلام ، در قرآن کریم ، (۱) بعنوان یگانه عامل تزکیه اخلاق و معلم انسانها معرفی شده است و خودش فرمود : « من برای تکمیل مکارم اخلاقی برانگیخته شده ام » (۲)

۱ - سورة جمعه آیه ۲

۲ - سفینه البحار ج ۱ ماده خلق